

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)  
سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۵۵، پیاپی ۱۴۵، پاییز ۱۴۰۱  
مقاله علمی - پژوهشی  
صفحات ۱۵۵-۱۳۳

## شکستن صدای کارگران صنعت نفت در هیاهوی جنبش ملی نفت ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ش (تاریخ از پایین)<sup>۱</sup>

ربابه معتقدی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

### چکیده

در تاریخ‌نگاری ملی شدن نفت به توصیف رفتار و تحلیل اندیشه نخبگان سیاسی و دولتمردان فراوان پرداخته شده و صدها کتاب و مقاله نوشته شده است. نقش جبهه ملی، تأثیر روحانیت مبارز، نگاه و عملکرد احزاب به‌ویژه حزب توده و همچنین واکنش دربار و رجال سیاسی طرفدار حکومت پهلوی، همگی موضوعات جذابی‌اند که به دفعات مورد کنکاش قرار گرفته‌اند، اما کمتر به نقش و تصویر کارگران صنعت نفت در زیر و بم این رخداد بزرگ توجه شده است. هدف نگارنده این نوشتار پرداختن به نقش کارگران در اجرای قانون ملی شدن نفت است؛ همچنین تاباندن نور بر اینکه چگونه یک جنبش صنفی به حرکتی ملی و بیگانه‌ستیز تبدیل شد. مطالبات کارگران صنعت نفت تا چه اندازه با خواسته‌های طرفداران ملی شدن نفت هم‌سویی داشت؟ کارگران صنعت نفت تا چه اندازه در جنبش ملی شدن نفت تأثیرگذار بودند؟ نگارنده این مقاله با نگاه از پایین، به تاریخ ملی شدن نفت پرداخته و به اعتراضات و مطالبات کارگری در فصل اعلام قانون ملی شدن نفت تا خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران پرداخته است. ابزار اصلی کار این تحقیق، جست‌وجو در اسناد آرشیوی، مطبوعات و مصاحبه‌های تاریخ شفاهی بوده است.

دستاورد و یافته اصلی که در مسیر این پژوهش نمایان شده، این است که مطالبات کارگران صنعت نفت در آغاز با خواسته‌های طرفداران ملی شدن نفت هم‌سویی نداشت، بلکه خواسته‌هایی صرفاً صنفی و درخواست‌هایی برای رفاه حال کارگران و

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.40726.2674

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1401.32.55.6.4

۲. استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ا. تهران، ایران. Robabe.motaghedi@gmail.com

مطابق مقررات سازمان بین‌المللی کار بود. در طول اعتصابات شعارها و خواسته‌ها تغییر کرد و کارگران صنعت نفت توانستند پیگیرانه در جنبش ملی شدن نفت تأثیر داشته باشند.

**واژه‌های کلیدی:** ملی شدن نفت، تاریخ کار، اعتصابات کارگری، تاریخ اجتماعی، خوزستان

### مقدمه

تلاش رضاشاه برای بازگرداندن مالکیت منابع نفتی از دست «شرکت نفت انگلیس و ایران» و خلاصی از قرارداد یکسویه «دارسی» موفقیت چندانی نداشت؛ تلاشی که بی‌تردید در از دست دادن حکومت و تبعید وی از کشور در سال ۱۳۲۰ نقش داشت. البته این دغدغه پایان نیافت و در سال‌های بعد با تصویب قانون ممنوعیت دولت از مذاکره و عقد قرارداد نفت توسط مجلس شورای ملی (مصوب ۱۱ آذر ۱۳۲۳)، گام‌های اولیه در مسیر ملی شدن نفت برداشته شد. طبق این قانون «هیچ نخست‌وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاونت می‌کنند، نمی‌توانند راجع به امتیاز نفت با هیچ‌یک از نمایندگان شرکت‌های نفت و هر کس غیر از اینها مذاکراتی که صورت رسمی و اثر قانونی دارد بکنند و یا اینکه قراردادی امضاء نمایند» (اسناد نفت، ۱۳۳۰: ۲۴). سرانجام با تلاش مجلس و دولت و بازنگری در امتیازات داده شده به کشورها و شرکت‌های بیگانه، در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن نفت در مجلس و توسط محمد مصدق اعلام شد و طی چند ماه بعدی به مرحله اجرا رسید.

در تاریخ‌نگاری ملی شدن نفت، به توصیف رفتار و تحلیل اندیشه‌ی نخبگان سیاسی و دولتمردان فراوان پرداخته شده و کتاب‌ها و مقاله‌های بسیار نوشته شده است. نقش جبهه ملی، تأثیر روحانیت مبارز، نگاه و عملکرد احزاب و به‌ویژه حزب توده و همچنین واکنش دربار و رجال سیاسی طرفدار حکومت پهلوی، همگی به دفعات و مفصل در منابع یادشده مورد کنکاش قرار گرفته‌اند، اما این مقاله در پی آن است که با ایده تاریخ از پایین، به نقش و تصویر کارگران صنعت نفت در زیر و بم رخداد ملی شدن نفت نگاه کند. آیا مطالبات کارگران صنعت نفت با اهداف طرفداران ملی شدن نفت هم‌سویی داشت؟ کارگران صنعت نفت تا چه اندازه در جنبش ملی شدن نفت تأثیرگذار بودند؟ چگونه یک جنبش صنفی به حرکتی ملی و بیگانه‌ستیز تبدیل شد؟

در این پژوهش، ابتدا به جنبش‌های کارگری در سراسر ایران طی دو سال منتهی به ملی شدن نفت پرداخته‌ایم و سپس به‌طور ویژه به حرکت‌های کارگری، شورش‌ها و اعتصابات در

حوزه جغرافیایی خوزستان توجه کرده‌ایم. علاوه بر آن، همزمان به نقش دولت و مجلس در خاموش کردن یا بها دادن به این شورش‌ها پرداخته‌ایم.

#### پیشینه تحقیق

تعدادی از منابع به معرفی و بازخوانی اسناد اعتصابات پرداخته‌اند. خدیری زاده در مقاله‌اش به معرفی برگ‌هایی از اسناد این اعتصابات پرداخته است. کتاب *اسنادی از اتحادیه‌های کارگری (۱۳۳۲-۱۳۲۱ش)* نوشته محمود طاهر احمدی<sup>۱</sup> بسیاری از اسناد اعتصابات کارگری را منتشر کرده است. انتظار می‌رود بعضی از کتاب‌ها و مقالات نیز که تاریخ نفت را نوشته‌اند، به این موضوع نگریده باشند. برای مثال، مصطفی فاتح در کتاب *پنجاه سال نفت*<sup>۲</sup> به جنبه اقتصادی و سیاسی ملی شدن نفت نگریده، اما مسئله کارگری دغدغه وی نبوده است تا پاسخی بر آن بیابد. نویسنده کتاب *بحران دمکراسی در ایران* نیز همچون دیگران از کنار جنبش کارگری در جریان ملی شدن نفت گذشته است. محمدعلی موحد در تاریخ مفصلی که با عنوان *خواب آشفته نفت*<sup>۳</sup> نوشته، تنها یک پاراگراف به این اعتصابات پرداخته است. آبراهامیان در کتاب *کودتای ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن* و همچنین در کتاب *ایران بین دو انقلاب*<sup>۴</sup> با نگاهی بسیار گذرا از این موضوع عبور کرده است.<sup>۵</sup> حبیب لاجوردی نیز در کتاب *اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران* به تفصیل به اعتصابات کارگری در سال‌های مورد بحث این پژوهش پرداخته؛ هرچند که به پیوستگی یا جدایی خواسته‌های کارگران از مطالبات طرفداران ملی شدن نفت توجهی نکرده است.<sup>۶</sup>

در مقاله‌ای که توسط محمدمیر شیخ‌نوری و شیدا صابر با عنوان «سنجش خاستگاه و نقش طبقات متعدد اجتماعی در جنبش ملی شدن نفت»<sup>۷</sup> نوشته شده است، اگرچه به گروه‌های

۱. محمود طاهر احمدی (۱۳۷۹)، *اسنادی از اتحادیه‌های کارگری (۱۳۳۲-۱۳۲۱)*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.

۲. مصطفی فاتح (۱۳۳۴)، *پنجاه سال نفت*، تهران: انتشارات کاوش.

۳. محمدعلی موحد (۱۳۹۵)، *خواب آشفته نفت*، تهران: نشر کارنامه، چاپ ششم.

۴. پروانه آبراهامیان (۱۳۸۷)، *ایران بین دو انقلاب*، تهران: نشر نی، چاپ چهاردهم.

۵. پروانه آبراهامیان، (۱۳۹۲)، *کودتای ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

۶. حبیب لاجوردی (۱۳۶۹)، *اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران*، ترجمه ضیا صدقی، نشر نو.

۷. محمدمیر شیخ‌نوری و شیدا صابر (۱۳۹۲)، «سنجش خاستگاه و نقش طبقات متعدد اجتماعی در جنبش ملی شدن نفت»، *دوفصلنامه سخن تاریخ*، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۵۱-۷۱.

اجتماعی و طبقات دخیل در این جنبش پرداخته شده، اما نقش کارگران و طبقات فرودست نادیده گرفته شده است. همچنین در مقاله «زمینه‌های شکل‌گیری اعتصابات کارگری در خوزستان» نوشته سکینه کاشانی و مصطفی علم، به توصیف اعتصاب بندر معشور و آبادان در فرودین ۱۳۳۰ پرداخته شده است.<sup>۱</sup> در این میان، مقاله تورج اتابکی با عنوان “Abadan in Fire and Blood” بیشترین هم‌سویی و نگاه مشترک با مقاله حاضر را دارد.<sup>۲</sup>

### کنشگری کارگران شهری در سال‌های منتهی به ملی شدن نفت

در سال‌های منتهی به ملی شدن نفت اوضاع اقتصادی و معیشت مردم به شدت آشفته و نابسامان بود. در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ تاریخ ایران تحت تأثیر بحران‌های جهانی و مشکلات داخلی، شاهد فقر و گرسنگی بود. هزاران نفر برای فرار از تهدید قحطی به سوی تهران و شهرهای بزرگ سرازیر شدند. این پناهندگان بدون خوراک و منزل در پیاده‌روها، گودال‌ها و حتی در ایستگاه راه آهن تهران اقامت می‌کردند (مالجو، ۱۴۰۰: ۱-۲۰). روستاییان در کوچیدن به شهرها، امید یافتن کار و رهایی از گرسنگی داشتند، اما آنچه در انتظارشان بود شهرهایی با اقتصادی ورشکسته بود. در فضای کار و کارگری آنچه به چشم می‌آمد از کارافتادگی کارخانه‌هایی بود که به علت ضعف مدیریت، نداشتن مواد اولیه، خرابی دستگاه‌ها و کاهش قیمت تولیدات داخلی در برابر واردات مشابه این محصولات، هر روز به تعطیلی کشیده می‌شدند و کارگران آنها به صف بیکاران می‌پیوستند. «تعدادی از کارخانه‌های نساجی در اصفهان و دیگر شهرها تعطیل شدند. کارخانه‌های چرم‌سازی نیز به ورشکستگی افتادند. در یزد سی‌هزار بافنده بیکار شده بودند. فقط در عرض یک ماه در اوایل سال ۱۹۵۰ بیش از دویست تجارتخانه و شرکت با سرمایه‌های از بیست میلیون ریال تا دویست میلیون ریال ورشکست شدند... در اواسط سال ۱۹۵۰ در تهران صد هزار نفر بیکار وجود داشت و در اصفهان نیز تعداد بیکاران به چندین هزار نفر رسیده بود» (ایوانف، ۱۳۵۶: ۱۳۸-۱۳۹).

در تاریخ ۶ مهر ۱۳۲۸ فعالیت اتحادیه‌ها مخلّ نظم تشخیص داده شد و از سوی نخست‌وزیری دستور جلوگیری و ممنوعیت فعالیت آنها صادر شد، اما همچنان در سال ۱۳۲۹ فعالیت اتحادیه‌های رسمی و غیررسمی و تلاش‌های کارگری برای بهبود شرایط کار ادامه

۱. سکینه کاشانی و محمدرضا علم (۱۳۹۶) «زمینه‌های شکل‌گیری اعتصابات کارگری نفت در خوزستان (۱۳۳۰-۱۳۲۹)»، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، صص ۱۱-۲۴.

2. Touraj Atabaki, “Abadan in Fire and Blood”, The Role of the Crowd in the History of the Nationalization of the Iranian Oil Industry, (un published).

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۲، شماره ۵۵، پاییز ۱۴۰۱ / ۱۳۷

داشت (ساکما، ۶۸۱۸-۲۹۰۰۰). در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ با اعتصابات و تحصن‌ها و اعتراضات بسیار کارگران صنایع و کارگران نساجی و حتی کارگاه‌های قالبیافی و صنایع غذایی روبه‌رویم. دستمزد کم و کاهش حقوق، عدم رعایت قوانین کار، اخراج غیرموجه کارگران و نداشتن سهمیه نان، بیشترین دلیل برای اعتصاب و اعتراض بود. تفاوت میان هزینه‌های زندگی معمول با میزان دستمزدهای کارگران و استنثار نیروی کار ارزان از سوی کارفرمایان سبب نارضایتی و خشم آنان شده بود. نگاهی به میزان سود کارخانه‌ها و کارگاه‌های بزرگ و مقایسه با میزان دستمزد کارگر به روشنی نشانگر این ادعاست.

جدول شماره ۱. گزارش اداره کار ۱۳۲۷-۱۳۲۸

کارخانه	سرما یه	فروش سالانه	دستمزد سالانه	سود سالانه	تعداد کارگران	نسبت فروش به سرمایه	نسبت سود به مزد یا درجه استثمار	نسبت سود به سرمایه	دستمزد سالانه کارگر
ریسباف	۶۳	۲۱۰	۶۳	۶.۵۴	۲۲۲۴	۲.۳ برابر	۸۶.۰	۲۸۳۲۷	
زاینده‌رود	۳۲	۱۱۳	۵.۴۵	۴.۳۸	۱۲۹۰	۵.۳ برابر	۸۵.۰	۳۵۰۳۸	
ویلن	۳۰	۹۹	۶.۳۳	۸.۱۵	۱۰۸۶	۳.۳ برابر	۴۷.۰	۳۰۹۳۹	
صنایع پشم	۴۸	۹۵	۵.۲۸	۶.۲۵	۱۱۹۵	۲ برابر	۸۷.۰	۲۴۶۸۶	
پشمیاف	۶۲	۸۹	۷.۲۶	۷.۲۶	۱۲۰۰	۴.۱ برابر	۱	۲۲۲۵۰	
رحیم‌زاده	۲۲	۵۳	۸.۱۴	۲۶	۵۱۹	۴.۲ برابر	۷۵.۱	۲۸۵۱۶	
شهرضا	۲۷	۵۰	۲۰	۵.۱۵	۱۱۰۰	۸.۱ برابر	۷۷.۰	۱۸۱۸۲	
نور	۲۵	۴۱	۴.۱۴	۳.۱۲	۵۸۵	۶.۱ برابر	۸۵.۰	۲۴۶۱۵	
نختاب	۱۳	۱۹	۶.۴	۶.۶	۳۱۲	۶.۲ برابر	۴۵.۱	۱۴۷۴۳	

#### تحصن کارگران کارخانه ریسباف قم

در سال ۱۳۲۸ کارخانه ریسباف قم کارگران خود را اخراج کرد. فرمانداری قم دلیل آن را فرسودگی و خرابی دستگاه‌ها و ضعف مدیریت خواند. کارگران کارخانه که از مهر ۱۳۲۸ تا

دی همان سال بیکار و اخراج شده بودند، معترض و متحصن تلگرافخانه شدند. در نهایت، با وعده وزارت کار به کمک فنی و مالی سازمان برنامه و همچنین مداخله بانک ملی و شورای عالی سازمان برنامه در این موضوع، تحسن پایان یافت و کارگران موفق به دریافت پانزده روز حقوق ایام بیکاری شدند (ساکما، ۲۹۰۰۳۵۶۸).

### اعتصاب کارگران شرکت نساجی و برق شیراز

با افزایش واردات پارچه و کاهش دستمزد کارگران، در فروردین ۱۳۲۹ کارخانه‌های برق و نساجی شیراز تعطیل شد و کارگران بسیاری بیکار و آواره شدند و به خیابان ریختند. این اعتراضات ادامه دار شد و کارگران بیکار شده بیست روز در تلگرافخانه تحسن کردند و از دولت خواستند به حقوق آنها رسیدگی کند (روزنامه ظفر، ۹ آذر ۱۳۲۹: شماره ۲۲، ص ۲). اگرچه بعدها و در سال ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ اتحادیه کارگران شرکت نساجی شیراز از فعال‌ترین اتحادیه‌های کارگری بود و در پی احقاق حقوق کارگران نظیر بیمه اجتماعی، اجرای قانون کار، تهیه خانه مسکونی و خدمات درمانی خانواده کارگران تلاش بسیار کرد (مرادی خلج، ۱۳۹۶: ۳۱۴)، اما در آغاز سال ۱۳۲۹ اعتراض و اعتصاب کارگران نساجی و برق شیراز به نتیجه نرسید. اگرچه در روشنایی آن می‌توان آشفتگی بازار کار و ناچاری کارگران در استان فارس را به تصویر کشید.

### اعتصاب کارگران کارخانه شاهی

در ۴ اردیبهشت ۱۳۲۹ غائله اعتصاب کارگران کارخانه شاهی رخ داد که به مداخله نظامی و کشته و مجروح شدن چندین کارگر منجر شد. «روزنامه ظفر» این اعتراض را «اعتصاب خونین شاهی» خواند (روزنامه ظفر، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۲۹، شماره ۵، ص ۱). کارخانه شاهی متعلق به دولت بود و رؤسای کارخانه با حمایت دولت و به بهانه رکود اقتصادی در نظر داشتند دستمزد کارگران را کاهش و ساعات کار را افزایش دهند. مزد کارگران را بموقع نمی‌پرداختند و گاه به جای دستمزد به آنان کنسروهای بفروش نرفته تحویل می‌شد (پایدار، ۱۳۹۴: ۱/۱۹۰). علت اعتصاب کاهش دستمزد و حذف کمک هزینه خواروبار از سوی مدیران کارخانه بود که با قاطعیت و حمایت استانداری و فرمانداری نظامی شاهی به اجرا گذاشته شد (طاهراحمدی، ۱۳۷۹: ۵۰۰-۴۸۵). توضیح مدیران کارخانه زیانکاری به دلیل افزایش حقوق در سال ۱۳۲۵ و جلوگیری از تعطیل کارخانه و بیکاری همه کارگران بود. کمیسیون دولتی وظیفه بررسی ماجرا را به دوش گرفت و به محض ورود به شهر شاهی پانزده تن از فعالان جنبش کارگری دستگیر

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۲، شماره ۵۵، پاییز ۱۴۰۱ / ۱۳۹

و راهی سیاهچال شدند. افراد کمیسیون به جای تعقیب عوامل کشتار، به سرکوب مبارزه کارگران پرداختند (پایدار، ۱۳۹۴: ۱/۲۸۷) و در این میان علاوه بر کشته شدن چند کارگر، سی و چند نفر از کارگران به اتهام اخلاصگری و تحریک از کار اخراج و تعدادی نیز به خوزستان تبعید شدند؛ کارگرانی که تا پایان سال ۱۳۳۱ نیز با وجود تلاش بسیار و گرفتن موافقت استانداری و نخست‌وزیری، موفق به بازگشت به کار نشدند (ساکما، ۲۹۳۰۲۰۲۶).

### اعتصاب کارگران کارخانه قند رضاییه

در همان سال در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۲۹ در رضاییه نیز کارگران کارخانه قند «اشکودا» (میرزا مقدم، [بی‌تا]: ۱۰۵) برای افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار از ده ساعت به هشت ساعت و سختی و گرانی تهیه نان از بازار آزاد اعتصاب و اعتراض کردند (ساکما، ۲۹۳۰۲۰۲۶). زمینه اعتصاب از اول اردیبهشت که دستمزد کارگران از ۲۵ ریال به ۳۳ ریال در روز افزایش یافت، آغاز شده بود. مدیر شرکت در ازای این افزایش دستمزد، ساعت کار را از هشت به ده ساعت افزایش داده بود. این افزایش اجباری ساعت کار که مغایر با قوانین بین‌المللی کار بود، موجب اعتراض کارگران شده بود. با مداخله رئیس اداره کار و کفیل اداره شهربانی و نماینده کارگران، مهندس «هروشکا» مدیر شرکت ملزم به تهیه نان برای کارگران و رعایت قوانین کار شد تا کارگران اعتصاب را بشکنند و به کار بازگردند. در تیر ۱۳۲۹ از سوی وزیر کار رفع اختلاف و اعتصاب کارگران کارخانه قند رضاییه مشروط به موارد زیر به وزارت کشور گزارش شد:

۱. قرار شده است که دستمزد کارگران مطابق حداقل مقرر پرداخت شود؛
۲. به دنبال مذاکره با فرماندهی لشکر رضاییه، گندم به میزان احتیاج کارگران تهیه می‌شود و در محل کار نان کارگران پخت و به نرخ شهرداری تحویل آنان می‌گردد؛
۳. برای کارگرانی که دور از محل مسکونی می‌باشند، چند دستگاه از ساختمان‌های کارخانه تخلیه و در اختیار کارگران گذارده شده است؛
۴. نسبت به سایر جهات مربوط به اجرای قانون کار نیز اقدامات مقتضی به عمل آمده است (ساکما: ۲۹۳۰۲۰۲۶).

موفقیت این اعتصاب، امیدی برای کارگران در اعتراضات کارگری بعدی شد.

### اعتصاب کارگران پشمبافی در اصفهان (سال ۱۳۲۹)

در سال ۱۳۲۹ در اصفهان نیز شاهد اعتراضات کارگری دامنه‌داری می‌باشیم که از سال‌ها پیش آغاز شده بود. کارگران کارخانه پشمبافی به دلیل وضعیت بد معیشت و نداشتن سهمیه نان

اعتصاب کردند و با رئیس کارخانه درگیر شدند. ظاهراً با درخواست آنان موافقت شد، اما دوباره به بهانه دریافت مزایا دست از کار کشیدند و به اعتصاب ادامه دادند (ساکما، ۲۹۰۰۲۰۶۹؛ رجیبی فرد و سلیمانی، ۱۴۰۰: ۱۱۵).

اگر اعتصاب کارگران قالیباف کرمان (ساکما، ۲۹۳۰۳۲۹۲.۹۹)، اعتصاب کارگران نساجی اصفهان، اعتصاب کارگران دخانیات اصفهان (ساکما، ۲۹۰۰۲۹۰۸)، اعتصاب کارگران کارخانه پشم اصفهان (ساکما، ۲۹۰۰۲۰۶۹) و اعتصاب کارگران کارخانه ریسمن ریزی سمنان (ساکما، ۲۹۸۳۰۸۷۲) در سال ۱۳۲۹ را نیز بر اعتراضات پیشین بیفزاییم، آشفتگی و نارضایتی کارگران، آگاهی سیاسی-صنعی و فضای پرهیجان سیاسی پیش از ملی شدن نفت را بیشتر درک خواهیم کرد. باید یادآوری کنیم که اتحادیه‌های کارگری حزب توده پس از اعتصاب موفق و گسترده سال ۱۳۲۵، در فاصله سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸ دچار سانسور و سرکوب و ممنوعیت شده بودند و فرصت فعالیت علنی را از دست داده بودند و اگرچه بسیاری از کارگران عضو اتحادیه‌های کارگری حزب توده پس از ممنوعیت فعالیت حزب توده در گردهمایی‌های اعتراضی حضور فعال داشتند، اما حزب توده در این سال‌ها رسماً نمی‌توانست نقشی برعهده داشته باشد. در همین سال‌ها همچنین فعالیت‌های اتحادیه‌های سندیکاهای کارگری (اسکی) و اتحادیه مرکزی کارگران ایران (امکا) در اصفهان و دیگر شهرها را شاهدیم که بضاعت فعالیت کارگری داشتند (ساکما، ۲۹۰۰۶۸۲۹). البته این سندیکاهای حکومت‌ساخته نیز نتوانستند دستاورد پایایی از خود به جا بگذارند.

این شمه‌ای از وضعیت کارگران سراسر کشور - به جز مناطق نفتی - در آستانه ملی شدن نفت بود. کارگران مناطق نفتی نیز شرایط بهتری نسبت به سال‌های پیشین و سایر کارگران نداشتند.

#### اوضاع کارگران مناطق نفتی در آستانه ملی شدن نفت

اگرچه از زمان ایجاد شرکت شهر نفتی در خوزستان که با ایجاد تأسیسات نفتی توسط «شرکت نفت ایران-انگلیس» آغاز شده بود، تنها چند دهه گذشته بود، اما کارگران صنعت نفت به میزانی از رشد آگاهی سیاسی رسیده بودند که نقشی فعال در اعتراضات این دوره داشته باشند. در ماه‌های پیش از ملی شدن نفت، با اعتراضات و شکایات گاه و بیگاه کارگران از مدیریت شرکت نفت روبه‌رو بودیم که از بی‌تفاوتی دولت و وزارت کار به مصدق و کمیسیون نفت شکایت بردند و از تعدی و حق‌کشی شرکت نفت نوشته بودند (ساکما، ۲۹۳۰۵۸۷۹)، اما تحصن و اعتراضی گسترده آنچنان‌که بتوان به عنوان پیش‌درآمد ملی شدن نفت بر آن نگریست،



انجام نشده بود. در میان شعارها و عریضه‌های کارگران نفت به بیماری، اخراج، کمبود مسکن، دستمزد و دیگر مشکلات کارگری پرداخته شده است، اما براساس اسناد و مدارک می‌توان ادعا کرد که در محافل کارگری حرفی از ملی شدن منابع و معادن و نفت نبود (مرکز اسناد مجلس، نفت ۱۳۲۹: دوره ۱۶)؛ هرچند که در مناطق نفتی و به‌ویژه بندر معشور (ماهشهر) و آبادان همزمان با ملی شدن نفت، به یکباره انفجار خشم و تحصن و اعتصاب کارگران را شاهدیم که بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین اعتصاب کارگری پس از اعتصاب ۱۳۲۵ را به تصویر کشیدند.

### اعتصاب در بندر معشور و آبادان

پس از خروج نیروهای متفقین از ایران، بهای نفت چند برابر شده بود و استخراج و فروش نفت توسط شرکت نفت ایران و انگلیس نیز نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافت، اما درآمد نفتی ایران همچنان بسیار کم بود. اعتراض دولت ایران به سهم ناچیزش از درآمد نفتی و احساسات ناسیونالیستی همراه با نگاه بیگانه‌ستیزی و ضد انگلیسی، موجب تیزتر شدن مخالفت با شرکت نفت شد (Keddie, 2006: 124). با تلاش مجلس و دولت و بازرگری در امتیازات کشورها و شرکت‌های بیگانه، سرانجام در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن نفت توسط محمد مصدق در مجلس اعلام شد و طی چند ماه بعدی به مرحله اجرا درآمد.

روزهای پایانی سال ۱۳۲۹ همزمان با برنامه فشرده مجلس شورای ملی در اعلام ملی شدن نفت، شرکت نفت به‌طور ناگهانی و بی‌مقدمه دستمزد کارگران بندر معشور را کاهش داد (فاتح، ۱۳۳۴: ۳۲۰). تا این تاریخ هر کارگر ۳۰ تا ۳۵٪ اضافه دریافت برای کمک‌هزینه مسکن داشت، اما با تحویل دوپست مسکن کارگری، شرکت نفت اقدام به قطع کمک‌هزینه بیش از ۲۵۰۰ کارگر کرده بود؛ «اقدام بیموقع و غیرعقلانه‌ای که از نظر بسیاری به علت فقدان درک روحیه مردم ایران صورت گرفته بود» (عظیمی، ۱۳۷۲: ۳۴۰). اینکه شرکت نفت انگلیس و ایران در آستانه ملی شدن نفت و در آشفته‌بازاری که پیش رو داشت، چه دلیلی برای این اقدام تحریک‌آمیز داشت، پاسخ روشنی وجود ندارد، اما این کار را کارخانه‌های شاهی و اصفهان در سال ۱۳۲۹ آزموده بودند که کاهش یکباره دستمزد و مزایای کارگری - که به سختی کفاف بخور و نمیر روزانه خانواده کارگران را می‌داد - تا چه اندازه می‌توانست دردسرساز و برانگیزاننده باشد. این موضوع در فضای پرتنش مطبوعات در تب و تاب ملی شدن نفت و فعالیت اتحادیه‌های کارگری و حزب توده، نتیجه‌ای انفجاری داشت. تنها دو روز پس از اعلام قانون ملی شدن نفت (۲۹ اسفند ۱۳۲۹)، در روز دوم فروردین ۱۳۳۰ کارگران بندر معشور اعتصاب کردند. سپس کارگران مسجد سلیمان، لالی، نفت سفید و آغاچاری به اعتصاب

پیوستند. کارآموزان مدارس فنی نیز روز سوم فرودین با اعتصاب‌کنندگان همراه شدند. آنها با بلندگویی در محوطه آموزشگاه شبانه‌روزی خواسته‌های خود را اعلام کردند. آنها می‌خواستند از سرویس رفت و آمد برخوردار باشند و نحوه محاسبه نمره قبولی پایان سال اصلاح شود (FO: 248.1524). دو روز پس از آن، هنگامی که نیروی نظامی کوشید با مداخله و تهدید آنان را به سر کار و کلاس برگرداند، اعتراض بیشتر بالا گرفت و کارآموزان به حضور نظامیان در مدرسه و آموزشگاه معترض شدند. ادامه اعتصاب و اعتراض در لالی و مسجدسلیمان و آبادان و بندر معشور، برخورد قهرآمیز دولت را در پی داشت. از یک سو، نگرانی در هم شکستن اقتدار حکومت و از سوی دیگر، شایعه احتمال مداخله نظامی انگلستان به بهانه محافظت از اموال و کارکنانش، موجب اصرار دولت بر سرکوب اعتراضات شد. به موجب تصویب مجلس و برای استقرار نظم، در ۵ فروردین ۱۳۳۰ در هفت نقطه خوزستان حکومت نظامی اعلام شد. همچنین هیئتی از سوی دولت برای مذاکره با کارگران و بررسی و اصلاح اوضاع به خوزستان اعزام گردید.

در ۷ فرودین تعداد اعتصاب‌کنندگان در بندر معشور به سه هزار نفر رسید. اعتصاب‌کنندگان به «دکتر راجی» نماینده مجلس و فرماندار نظامی و بخشدار که تلاش می‌کردند با تهدید و ارباب کارگران را وادار به خاتمه تحصن کنند، با سنگ و چوب حمله کردند و اعتصاب شکل شورش و درگیری به خود گرفت. گزارشی از استانداری خوزستان حاکی از آن است که در ۸ فرودین پس از مذاکره نمایندگان کارآموزان و فرماندار و نمایندگان شرکت نفت و قبول درخواست‌های اعتصاب‌کنندگان، دانش‌آموزان و کارآموزان اعتصاب خود را شکستند و به کار بازگشتند. البته گزارش‌های دیگری از ادامه همراهی آنان با کارگران معترض در روزهای بعدی خبر می‌دهد. بسیاری از کارگران معترض به شبانه‌روزی و مدارس فنی رفتند تا با همراهی جوانان کارآموز میتینگ برگزار کنند. در ۹ فرودین ده هزار نفر دیگر در مسجدسلیمان دست به اعتصاب زدند. در آبادان سربازان به روی مردم آتش گشودند. به دنبال این حوادث، باز شرکت نفت و دولت ایران اعلام کردند که همه چیز آرام است و اعتصاب در بندر معشور به آرامی پایان یافته است. روز بعد هزار نفر از کارگران خط لوله نفت به اعتصاب پیوستند (Elwell- Sutton, 1955: 209-212).

در نیمه فروردین کارگران آقاجاری، مسجدسلیمان، بندر معشور و حوزه‌های نفتی شرایط خود را برای پایان دادن به اعتصاب این‌چنین اعلام کردند:

۱. اضافاتی را که شرکت قصد داشته کسر کند، مجدداً پردازد؛
۲. مفاد قانون کاری را که حتی شرکت نفت هم قبول کرده است، به مرحله اجرا گذاشته

شود؛

۳. حداقل حقوق تعیین شده پرداخت شود؛

۴. کارگرانی که در اعتصاب و تظاهرات شرکت داشته‌اند، از کار برکنار نشوند؛

۵. حقوق ایام اعتصاب پرداخت شود.

چنان‌که می‌بینیم تا این تاریخ در مطالبات کارگران صنعت نفت ردّ پایی از خواسته ملی شدن نفت نیست. درخواست‌ها بیشتر صنفی و مبتنی بر حقوق کارگری و قوانین سازمان بین‌المللی کار بوده است. در نهایت، در ۱۷ فروردین ۱۳۳۰ تعدادی از اعتصاب‌کنندگان کارگر و کارآموز اعتصاب خود را شکستند. گمان می‌رفت با گفت‌وگوهای انجام‌شده میان هیئت اعزامی از سوی دولت و مدیران شرکت نفت و نمایندگان کارگران، شورش به پایان رسیده و فضا آرام شده است، اما ناگهان در روز ۲۲ فروردین گزارش محرمانه تلگرافی از شعله‌ور شدن دوباره آتش زیر خاکستر و شورش همگانی در آبادان حکایت داشت. در این هیاهوی اعتراض علیه شرکت نفت، میان کارگران فنی پالایشگاه نفت و سربازان درگیری رخ داد و دو نفر کشته و چند نفر زخمی شدند. افزون بر آن، هشت انگلیسی در مقابل باشگاه ایران و دیگر قسمت‌های شهر کشته و زخمی شدند و وسایل نقلیه شرکت نفت سنگباران شد (FO: 248.1524). فرماندار نظامی آبادان می‌خواست بداند اجازه آتش گشودن بر مردم را دارد یا نه؟ «.. از ستاد ارتش استفسار کنید اجازه می‌دهند آتش کنم؟» (ساکما، ۵۸۷۵، ۲۹۳۰). در روزهای بعد، دیگر سؤالی درباره آتش و تیراندازی نمانده بود؛ در بندر معشور یک زن کشته شد و چهار نفر دیگر از سوی نیروی نظامی زخمی شدند.

آموزشگاه شبانه‌روزی به محاصره نیروی نظامی درآمد و تعدادی از کارآموزان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. البته دیگر کارآموزان در داخل آموزشگاه شبانه‌روزی ماندند و دست به تحصن و اعتصاب زدند؛ هرچند که این محاصره و اعتصاب طولی نکشید و با حمله نیروی انتظامی به شبانه‌روزی در ۲۲ فروردین ۱۳۳۰ تعدادی از کارآموزان دستگیر و بقیه از اقامتگاه شبانه‌روزی بیرون رانده شدند (ATABAKI, 2022: 5).

کارگران معترض نیز برای آزادسازی نمایندگان خود در مقابل ساختمان فرمانداری دست به تظاهرات زدند (اطلاعات هفتگی، ۱۳۳۰: شماره ۵۶، صص ۱-۴). طی چند روز بعد شهر به حالت آماده باش درآمد و بیشتر مردم با هفت تیر و تفنگ و چاقو و چوب مسلح شدند. ۲۳ فروردین دانشجویان دانشگاه تهران با کارگران اعتصابی نفت اعلام همدردی و از آنان حمایت کردند. ۲۴ فروردین ۲۵ هزار نفر از اعتصابگران در محوطه آموزشگاه شبانه‌روزی آبادان تجمع و میتینگ برگزار کردند. در این میتینگ‌ها «جمعیت مبارزه با شرکت استعماری نفت جنوب»،

حزب توده و طرفداران جنبش ملی شدن نفت، همگی حضور فعال داشتند و قطع نامه‌ها و اعلامیه‌هایی در لغو حکومت نظامی و احقاق حقوق حقه کارگران صادر کردند (کامبخش، [بی تا]: ۲۱۷). دوباره اعتصاب گسترده در تمام مناطق نفتی آغاز شد. حضور «تیمسار بقایی» و «تیمسار شاه‌بختی» و قوای کمکی زره‌پوش و تانک بر وخامت اوضاع در آبادان افزود. مسجد سلیمان و بندر معشور نیز همچنان در اعتراض و اعتصاب و درگیری مردم با قوای نظامی بود. با وجود ممانعت سربازان مسلح، پنج‌هزار نفر از کارگران شرکت نفت در بندر معشور بی توجه به حکومت نظامی، در بیابان سوزان گرد هم آمدند و به اعتصاب و برگزاری میتینگ ادامه دادند (ساکما، ۵۸۷۵/۲۹۳۰۰). درگیری نیروی نظامی با اعتصابگران و کشته شدن چند نفر از دو طرف، به پایان یافتن غائله کمکی نکرد.

از اواخر سال ۱۳۲۹ به دلیل تعطیلی کارخانه پشم‌باف، کارگران دست به اعتصاب زده بودند. در نتیجه اقدامات وزارت کار و استانداری اصفهان در تأمین سهمیه نان کارگران بیکار، اعتصاب شکسته شد. در ۶ فرودین ۱۳۳۰ کارخانه ریس‌باف نیز به تعطیلی کشیده شد و کارگران بیکار شده به استانداری هجوم بردند و پس از شکستن در و پنجره استانداری، با مأموران انتظامی درگیر شدند.

در نیمه فرودین ۱۳۳۰ کارگران کارخانه نور (۱۲۰۰ کارگر)، کارخانه پشم‌باف (۱۲۰۰ کارگر) و کارخانه ریس‌باف (۱۶۰۰ کارگر) اصفهان که از ماه‌های پیش به دلیل نبود مواد اولیه، خرابی دستگاه‌ها و غیره بیکار شده بودند، صندوق اعانه برای خانواده کارگران اعتصابی صنعت نفت تهیه کردند و همبستگی خود را با آنان اعلام کردند. آنها که هر روز برای تعیین تکلیف بیکاری و دستمزدهای معوقه، در اداره کار اصفهان جمع می‌شدند، در ۱۹ فرودین تصمیم به تجمع در حمایت از کارگران اعتصابی نفت خوزستان و پشتیبانی از ملی شدن نفت گرفتند. کارگران به همراه زنان و کودکان در استانداری اصفهان تجمع کردند و به سخنرانی پرداختند (ساکما، ۲۰۴۵/۲۹۳۰۰). وزیر کشور مسئولیت رسیدگی را به استاندار اصفهان سپرد و دستور داد چند نفر از کارگران معترض واقعه ۱۹ فرودین کارخانه نور اخراج و از شهر اصفهان تبعید شوند تا دیگران آرام شوند.

در ۲۴ فروردین ۱۳۳۰ با انتشار خبر رادیویی مبنی بر وقوع درگیری در آبادان و کشته شدن چند نفر از کارگران شرکت نفت، کارگران اصفهان با وجود ممانعت پلیس و نگهبانان کارخانه‌ها، با عنوان اعتصاب و در حمایت و پشتیبانی از اعتصاب کارگران صنعت نفت و پشتیبانی از ملی شدن نفت، تلاش کردند با زنان و کودکان خود به شهر بیایند و به دیگر کارگران اعتصاب‌کننده بپیوندند. آنها با مأموران دژبانی روبه‌رو شدند که با کار گذاشتن چند

قبضه مسلسل، راه را در پل خواجه و سایر خطوط ارتباطی شهر بسته بودند. کارگران با قوای نظامی درگیر شدند و تعدادی از آنها به آب زدند و از قسمت‌های کم عمق رودخانه زاینده رود عبور کردند تا به دیگر کارگران در شهر بپیوندند. زنان در صف‌های جلوی جمعیت تظاهرکننده قرار داشتند (ساکما، ۲۰۴۵، ۲۹۳۰). چند ماه پیش از ملی شدن نفت، به علت خرابی دستگاه‌ها و ورشکستگی کارخانه‌ها، همچنان بسیاری از کارخانجات اصفهان تعطیل و کارگران بیکار بودند، اما تجمع و تظاهرات ۲۴ فروردین ۱۳۳۰ برای اعتراض به بیکاری و تعطیلی کارخانه‌ها نبود، بلکه به منظور پشتیبانی از اعتصاب کارگران صنعت نفت آبادان و بندر معشور بود. نیروی نظامی شهربانی با آنان درگیر شد و سه نظامی و هفت کارگر مجروح شدند. در اثر تیراندازی دو نفر از کارگران نیز کشته شدند. درگیری و اعتراض تا غروب ادامه داشت؛ کارگران اجساد را در مسجد شاه گذاشتند و روز بعد دوباره در مسجد شاه اصفهان گرد آمدند و با در دست گرفتن کارگرانی که روز گذشته (۲۴ فروردین ۱۳۳۰) در درگیری با پلیس کشته شده بودند، به راهپیمایی اعتراضی در شهر پرداختند و به تلگرافخانه رفتند. آنها طی تلگرافی به مجلس و روزنامه‌ها، وضع شهر و حمایت خود از ملی شدن نفت را اعلام کردند و با وجود ممانعت پلیس و درگیری شدید، به اعتراض خود ادامه دادند و قطعنامه‌ای صادر کردند: «ما ۶۰ هزار نفر مردم اصفهان که برای به خاک سپردن شهیدان خود برای به خاک سپردن کارگران شرافتمند و مبارزی که دیروز به دستور خدمتگزاران کثیف استعمار شهید شدند اینجا جمع شده ایم و به مجلس شورای ملی فرمان می‌دهیم:

۱. فوراً درخواست‌های قانونی کارگران دلاور خوزستان را اجابت کند و به دولت امر دهد هرچه زودتر اراده و خواسته‌های این فرزندان بزرگ ملت ما را انجام دهد.
۲. حکومت نظامی خون‌آلود شده و پست را از صفحه خوزستان برچیند.
۳. قاتلین منفور شهدای آبادان و اصفهان را در برابر چشم مردم محاکمه و به دار مجازات بیاویزد.
۴. دولت علاء را که مدافع کثیف شرکت تبهکار نفت جنوب است ساقط نموده اعضای آن را به جرم خیانت و سلاخی فرزندان ملت تسلیم و محاکمه نماید.
۵. دست توطئه‌گران خونخوار آمریکا و انگلستان را از کشور ما کوتاه سازد.
۶. به کنسولگری‌های انگلستان و آمریکا در اصفهان که نقشه کشتار وحشیانه دیروز را به شهربانی و استانداری دیکته کرده‌اند امر دهند که بساط خونین خود را از شهر ما برچینند.
۷. آزادی احزاب و اجتماعات و سندیکاها را اعلام کند و به حزب بزرگ و پرافتخار ما زحمت‌کشان ایران اجازه فعالیت دهد...» (ساکما، ۲۰۴۵، ۲۹۳۰).

جمعیت معترض به گزارش شهربانی، ده هزار نفر و در تلگراف کارگران بالغ بر شصت هزار نفر اعلام شد. نیروی شهربانی عاجز از کنترل اوضاع، از استانداری کمک خواست. براساس

گزارش‌های موجود، ایده‌های چگونگی برگزاری میتینگ و اعتصاب، با جمعیت طرفداران صلح و جمعیت مبارزه با شرکت نفت و حزب توده بود. استاندار اصفهان و دادستان پس از گفت‌وگو با نمایندگان کارگران موفق شدند با مشروع دانستن حمایت کارگران از ملی شدن نفت، از تشنج بکاهند و اعتصاب را پایان دهند.

وضعیت در ایران روز به روز بحرانی‌تر می‌شد. به دلیل اعتصابات و خشونت فزاینده در پالایشگاه آبادان و حوزه‌های نفتی، عملیات تولید نفت تقریباً به تعطیل کشیده شد و فروش و حمل نفت از سوی دوستان بریتانیا به شدت کاهش یافته بود. برون‌رفت از این بحران جز با پایان دادن به اعتصاب و برگرداندن کارگران به کارگاه‌ها و پالایشگاه ممکن نبود. با وجود اعزام تانک و توپخانه از سوی تهران به خوزستان و تقویت نیروی نظامی، اوضاع همچنان غیرقابل کنترل بود. دست‌کم بیست‌هزار کارگر بیکار شده بودند و عموم مردم با احساسات ضد انگلیسی به خیابان‌ها آمده بودند. نمایندگان جبهه ملی و حزب توده در میان اعتصاب‌کنندگان به شدت فعالیت و تبلیغ می‌کردند. علاوه بر این، ناوهای جنگی انگلستان که به بهانه محافظت از جان اتباع انگلیسی و کارکنان خارجی شرکت نفت در خلیج فارس جولان می‌دادند، بر آشفته‌گی فضا افزوده بودند. دکتر مصدق نیز در ۲۷ فروردین به عنوان نماینده مجلس و سخنگوی جبهه ملی، بیانیه‌ای خطاب به کارگران صنعت نفت صادر کرد و به نمایندگی از مجلس و جبهه ملی به آنان قول داده بود به خواسته‌هایشان رسیدگی شود: «هموطنان کارگر، شرکت نفت این بار مستقیماً و بدون حاجت به پرده‌پوشی شما کارگران هنرمند ایرانی را که در سخت‌ترین شرایط زندگی به حساب یغمای پنجاه ساله او به استخراج طلای سیاه مشغول بوده‌اید با کسر مبلغی از حقوق ناچیزتان به اعتصاب واداشته و در ادامه موجبات اعتصاب و عصبانی نمودن شما از هر گونه اقدام تحریک‌آمیز خودداری نکرده و... امروز هر تشنج و هر توطئه و تحریک و هر تشنت و نفاق به نفع کمپانی نفت تمام خواهد شد. هر کس ایرانی است و برای سعادت ایران و مردم این سرزمین کار می‌کند باید خود را از فریب عوامل کمپانی که در هر لباس وزیر لوای هر مسلک و مرام پنهان هستند بر حذر نگاه دارد و فراموش نکند که در اوضاع حاضر سرنوشت و مقدرات امروز و فردای ایران در گرو رشد ملی و تربیت اجتماعی اوست. جبهه ملی برای تضمین و تأثیر حقوق حقه کارگران تعهد می‌کند که از هر اقدام مفید خودداری نکند و به منظور این که این تعهد جنبه رسمی و قانونی داشته باشد طرحی از طرف وکلای جبهه ملی به قید فوریت به مجلس تقدیم خواهد شد که پس از اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت تمام حقوق و مزایایی را که بعد از تصویب قانون اخیر کمپانی نفت از کارگران ایرانی به بهانه‌های مختلف کسر کرده است به آنان بپردازد» (مذاکرات مجلس،

۲۷ فروردین ۱۳۳۰: جلسه ۱۳۶).

در ادامه، آیت‌الله کاشانی نیز به اعتصابگران وعده رسیدگی به درخواست‌هایشان توسط «سپهد شاه‌بختی» را داد. او مستقیماً از کارگران بندر معشور خواست به اعتصاب خود پایان دهند (ساکما، ۳۹۳۶ تا ۹۹۸۰). سپهد شاه‌بختی که با اختیارات ویژه برای پایان دادن به بحران، به خوزستان اعزام شده بود، تمام توان خود را به کار گرفت تا راه برون‌رفتی برای بحران پیش‌آمده بیابد (روزنامه آسیای جوان، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۱: شماره ۳۸، ص ۲). او در ۳ اردیبهشت ۱۳۳۰ در یک گزارش رمز به نخست‌وزیر اطلاع داد که از برگزاری میتینگ معترضان در آبادان جلوگیری کرده و یازده هزار و سیصد کارگر را به کار بازگردانده است. او از چاپخانه‌ها التزام گرفته بود که «اوراق مضره» چاپ نکنند و حقوق کارگران بندر معشور نیز پرداخته شده است (خدروی‌زاده، ۱۳۸۲: ۸۴). سپس یک هیئت حل اختلاف از تهران به خوزستان اعزام شد. پس از مذاکرات سه‌جانبه (نمایندگان کارگران، مدیران شرکت نفت و نمایندگان اعزامی دولت)، در نهایت اعتصاب شکسته شد و کارگران به کار برگشتند. این کمیسیون برای آرام کردن کارگران و شکستن اعتصاب، تصمیم گرفت کاهش دستمزد کارگران را متوقف کند و دستمزد روزهای اعتصاب را به کارگران بپردازد. دیگر مطالبات کارگران نیز مورد مذاکره بیشتر قرار گرفت (FO ۲۴۸، ۱۵۲۴: KHUZESTAN, ۱۹۵۱). البته ۶۹ نفر از سرکردگان و فعالان کارگری از خوزستان و شرکت نفت تبعید شدند. شش ماه بعد در آستانه اخراج کارکنان اروپایی، باز هم مدیران شرکت نفت با وجود تغییرات تشکیلاتی که صورت پذیرفته بود، به بازگشت این کارگران و کارآموزان اخراجی و شورشی تن ندادند و با استناد به بدآموزی و جسور شدن باقی کارگران، بر رعایت مقررات گذشته شرکت نفت و لزوم تداوم اخراج کارگران نافرمان اصرار ورزیدند و حاضر به قبول این ۶۹ نفر در صنعت نفت نشدند. کارآموزان و کارگران اخراجی در شهریور ۱۳۳۰ بیش از دو ماه در تهران در مقابل مجلس شورای ملی دست به تحصن زدند. آنها پس از آنکه با بی‌تفاوتی و کم‌التفاتی مجلسیان مواجه شدند، دست به اعتصاب غذا و صدور بیانیه زدند. آنها همچنان امیدوار بودند با کمک مطبوعات و نمایندگان موافق، به شرکت نفت - که حالا به شرکت ملی نفت تغییر نام داده بود - بازگردند (خدروی‌زاده، ۱۳۸۲: ۸۵)، اما «الهی‌ار صالح» به عنوان رئیس هیئت مختلط نفت، در نامه‌ای فوری و محرمانه به رئیس مجلس چنین نوشت: «راجع به عده‌ای از کارگران و کارآموزان شرکت سابق نفت که در مجلس شورای ملی تحصن اختیار نموده و دست به اعتصاب غذایی زده و اعلام گرسنگی نموده، خاطر شریف را مستحضر می‌دارد. خود اینجانب بوسیله تلفن کاریر با هیئت مدیره موقت در خرمشهر صحبت نمودم. هیئت مزبور مراجعت

آقایان به خوزستان و اشتغال مجدد آنها در دستگاه نفت آنجا را مخالف صلاح کشور می‌دانند. از طرف دیگر جناب آقای نخست‌وزیر به وسیله اینجانب به اطلاع آقایان اعتصاب‌کنندگان مزبور رسانده‌اند که حاضرند آنها را در کارخانه چیت‌سازی مرکز یا نقطه دیگری بلافاصله مشغول به کار نمایند و وسیله معاش آنها را تأمین کنند و این مطلب به آنها مستقیماً ابلاغ گردیده است. معهداً حاضر برای شکستن اعتصاب غذا و قبول شغل غیر از منطقه خوزستان نمی‌باشند. رئیس هیئت مختلط الهیار صالح ۸/ ۷/ ۱۳۳۰» (خدری‌زاده، ۱۳۸۲: ۸۵).

در ماه‌های بعد این کارگران مجبور به کار در کارخانه‌های چیت‌سازی تهران و دیگر کارخانه‌ها شدند و تا سال‌ها بعد بیهوده کوشیدند به آبادان و کار در شرکت نفت بازگردند.

وزارت کار پایان اعتصاب را طی اعلامیه‌ای این چنین تبریک گفت: «با کمال مسرت وزارت کار به عموم هم‌میهنان گرامی اطلاع می‌دهد که اعتصاب کارگران در سراسر خوزستان خاتمه یافته و نظم و آرامش در آن منطقه کاملاً حکمفرماست. مسلم است که دولت با رعایت کامل مقررات و قانون با نهایت شفقت به مستدعیات کارگران خوزستان رسیدگی کرده و خواهد کرد» (اسناد نفت، [بی‌تا]: ۶۱).

سرکنسول بریتانیا در خوزستان دلایل اعتصاب را نارضایتی واقعی، تبلیغات حزب توده، میل به ابراز وجود کارآموزان و شورش خودجوش ناشی از خشونت ارتش خواند. شرکت نفت نیز مقصر این بحران را تحریک‌کنندگان خارجی و دولت دانست (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۱۱۳). با این اوصاف، ملی شدن نفت از مرحله قانونگذاری تا اجرایی شدن، بر دوش هیجانات پرشور ملی‌گرایانه و ضد استعماری مردم با سرعت و طی دو ماه به بار نشست، اما وعده‌ها عملی نشد. «مصطفی فاتح» عالی‌رتبه‌ترین مقام ایرانی در شرکت نفت، در این باره اعتراف کرد که نهضت ملی شدن نفت طبق وعده‌هایی که داده می‌شد، برای ایرانیان کاملاً ثمربخش واقع نشد و مواعیدی که به مردم داده شد، انجام نگرفت (فاتح، ۱۳۳۴: ۵۱۶).

هنگامی که نفت ملی شد و از شرکت خلع ید گردید، جمع کارکنان شرکت در ایران ۶۱۵۴۵ نفر بود. علاوه بر این، ۱۳۶۰۳ نفر هم کارگرانی بودند که به صورت کنترات برای شرکت نفت کار می‌کردند (افراسیابی، ۱۳۶۶: ۲۱۴). در ۴ اردیبهشت ۱۳۳۰ بلافاصله پس از پایان اعتصاب در جنوب، کمیسیون نفت مجلس به اتفاق آراء پیش‌نویس یک طرح تهنه ماده‌ای را تصویب کرد که چارچوب اجرای اصل ملی شدن را فراهم می‌ساخت (عظیمی، ۱۳۷۲: ۳۴۴). اعتصاب پایان یافت، اما سرنوشت ملی شدن نفت ادامه داشت.





«دزدان دریایی را بیرون بریزید، نفت ما را به خود ما بدهید» (شعار مردم آبادان در روزهای ملی شدن نفت)

### نتیجه گیری

در میان منابع تاریخ نفت ایران تاکنون کمتر به نقش و تصویر کارگران صنعت نفت در جریان ملی شدن نفت نگریسته شده است. نگارنده این نوشتار نقش کارگران و به ویژه کارگران صنعت نفت را در اجرای قانون ملی شدن نفت به تصویر کشیده است. برگزاری اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها و حمایت‌ها و انتقادات کارگران در بحبوحه ملی شدن نفت، با سیلی و نوازش توأمان دولت و مجلس روبه‌رو شد. کارگران خوش‌گمان به بهره بردن همگانی از منابع نفت و بازپس‌گیری حقوق از دست رفته کارگری از شرکت ملی نفت بودند؛ پس با هم‌سویی با اهداف جبهه ملی و طرفداران ملی شدن نفت، جنبش صنفی کارگران نفت به حرکتی ملی تبدیل شد و به موج ملی‌گرایی و بیگانه‌ستیزی پیوست. مجلس و دولت کمتر به کارگران و بیشتر به بازتاب ملی شدن نفت در سپهر سیاسی دنیای پس از جنگ سرد می‌اندیشیدند. البته احزاب و مطبوعات استعداد و توان یک جنبش سیاسی علیه استعمار و یک جنبش آزادی‌خواهی را در پیشانی این جنبش ملی نفت می‌دیدند و تلاش می‌کردند جنبش کارگری را در این چارچوب تعریف کنند. به هر حال، حرکت‌های اعتراضی کارگری در ایجاد رعب و وحشت میان کارکنان خارجی در خوزستان و آمادگی آنان برای ترک مناطق نفتی تأثیر داشت و در اجرای ملی شدن نفت و خلع ید از شرکت نفت انگلیسی اثربخش بود. همچنین نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت که مطالبات کارگران صنعت نفت در ابتدا با خواسته‌های طرفداران ملی شدن نفت هم‌سویی نداشت، بلکه خواسته‌هایی صرفاً صنفی و درخواست‌هایی برای رفاه حال کارگران و مطابق مقررات سازمان بین‌المللی کار بود. در طول اعتصابات شعارها و خواسته‌ها تغییر کرد و کارگران صنعت نفت توانستند پیگیرانه در جنبش ملی شدن

نفت تأثیر داشته باشند. اگرچه همراهی عمومی و حمایت فرودستان جامعه از ملی شدن نفت و پیوستن عامه مردم به ملی‌گرایان، در به نتیجه رسیدن ملی شدن نفت بسیار فایده‌بخش بود، اما اینکه کارگران صنعت نفت از ملی شدن نفت بهره بردند یا نه؟ و اینکه ملی شدن نفت چه اندازه به مطالبات کارگری پاسخ داد یا نداد؟ می‌توان در پژوهشی دیگر به آن پرداخت.

## منابع و مأخذ

### الف. کتب و مقالات

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷)، ایران بین دو انقلاب، تهران: نشر نی، چاپ چهاردهم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، *کودتای ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- اسناد نفت (۱۳۳۰)، اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت امور خارجه.
- افراسیابی، بهرام (۱۳۶۶)، *خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی*، تهران: انتشارات سخن.
- انور خامه‌ای (۱۳۶۹)، *اقتصاد بدون نفت*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ایوانف، م. س. (۱۳۵۶)، *تاریخ ایران نوین*، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- بشیر گنبدی، تیمور (۱۳۸۲)، *اسنادی از اصل چهار ترومن در ایران ۱۳۲۵*، مرکز اسناد ریاست جمهوری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بیانیه حزب توده ایران، تشکیلات فارس، ۱۳۳۰.
- پایدار، ناصر (۱۳۹۴)، *تاریخ جنبش کارگری ایران*، ج ۱، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- خدری‌زاده، علی‌اکبر (تابستان ۱۳۸۲)، «اعتصاب و شورش کارگران شرکت نفت در خوزستان»، *تاریخ معاصر ایران*، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۷۷-۹۰.
- رجبی‌فرد، حسن و کریم سلیمانی (پاییز و زمستان ۱۴۰۰)، «تقدم کنش صنعتی بر فعالیت سیاسی؛ بررسی مواجهه طبقه کارگر صنعتی با اتحادیه‌های کارگری در اصفهان (۱۳۲۰-۱۳۳۲ش)»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۳۸.
- شیخ نوری، محمدمیر و شیدا صابر (۱۳۹۲)، «سنجش خاستگاه و نقش طبقات متعدد اجتماعی در جنبش ملی شدن نفت»، *دوفصلنامه علمی-تخصصی سخن تاریخ*، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۵۱-۷۱.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۷۹)، *اسنادی از اتحادیه‌های کارگری (۱۳۲۱-۱۳۳۲)*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲)، *بحران دموکراسی در ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۲)*، ترجمه هوشنگ مهدوی و بیژن نودری، تهران: نشر البرز.
- فاتح، مصطفی (۱۳۳۴)، *پنجاه سال نفت*، تهران: انتشارات کاوش.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۲، شماره ۵۵، پاییز ۱۴۰۱ / ۱۵۱

قوانین و مقررات (۱۳۳۷) تاریخ ۱۳۳۷/۱۲/۱۹، مصوبات مجلس شورای ملی، ماده یک، دوره ۱۹، ج ۴.

کاشانی، سکینه و محمدرضا علم (پاییز و زمستان ۱۳۹۶)، «زمینه‌های شکل‌گیری اعتصابات کارگری نفت در خوزستان (۱۳۳۰-۱۳۲۹)»، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، صص ۲۴-۱۱.

کامبخش، عبدالصمد (۱۳۵۸)، شمه‌ای درباره تاریخ جنبش کارگری ایران، [بی‌جا]: انتشارات حزب توده.

لامجوردی، حبیب (۱۳۶۹)، اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران، ترجمه ضیا صدقی، نشر نو. مالجو، محمد (۱۴۰۰)، کوچ در پی کار و نان (فاعلیت منفعلانه مستمندان آذربایجان از ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ خورشیدی)، تهران: نشر اختران.

مرادی خلیج، محمدمهدی (۱۳۹۶)، شیراز در دوران نهضت ملی شدن نفت، تهران: انتشارات کویر. مشروح مذاکرات مجلس (۱۳۳۰)، روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۳۰، جلسه ۱۳۶.

معتقدی، ربابه. (دی ۱۴۰۰)، «تاریخ‌نگاری فرودستان از دریچه آرشیو اسناد با نگاهی به اسناد کنشگری زنان در ملی شدن نفت»، فصلنامه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، دوره ۳۱، شماره ۲۸.

معتقدی، ربابه، محمدمامیر شیخ نوریو تورج (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، «صنعت نفت و تحول جمعیتی و شغلی در مناطق نفت خیز جنوب ایران»، فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، شماره ۲، صص ۱۲۱-۱۳۷.

موحد، محمدعلی (۱۳۹۵)، خواب آشفته نفت. ج ۲، تهران: نشر کارنامه، چاپ ششم. موزه و کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی؛ عریضه‌ها، بیماری، نفت ۱۳۲۹، دوره ۱۶.

میرزا مقدم، ویکتور [بی‌تا]، خاطرات یک آشوری ملی و وطنی در ایران قرن بیستم، تهران: شرکت کتاب.

ندیم، مصطفی و رضا حبیبی‌نژاد (زمستان ۱۳۹۵)، «روند شکل‌گیری اعتصابات در مناطق نفت‌خیز خوزستان»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال ۲۶، شماره ۳۲ (پیاپی ۱۲۲)، صص ۱۵۹-۱۸۶.

#### ب. اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۹۳۶-۹۹۸.

\_\_\_\_\_، سند شماره ۵۸۷۵-۲۹۳۰۰.

\_\_\_\_\_، سند شماره ۰۸۴۵۵-۲۹۰۰۰.

\_\_\_\_\_، سند شماره ۰۲۰۶۹-۲۹۰۰۰.

\_\_\_\_\_، سند شماره ۰۲۹۰۸-۲۹۰۰۰.

\_\_\_\_\_، سند شماره ۰۶۸۱۸-۲۹۰۰۰.

۱۵۲ / شکستن صدای کارگران صنعت نفت در هیاهوی جنبش ملی نفت ... / معتقدی

- \_\_\_\_\_، سند شماره ۲۹۰۰۰۸۳۱۵.
- \_\_\_\_\_، سند شماره ۲۹۳۰۰۰۵۸۷۹.
- \_\_\_\_\_، سند شماره ۲۹۳۰۰۲۰۲۶.
- \_\_\_\_\_، سند شماره ۲۹۳۰۰۲۰۴۵.
- \_\_\_\_\_، سند شماره ۲۹۸۰۳۰۸۷۲.
- \_\_\_\_\_، سند شماره ۹۹،۲۹۳۰۰۳۲۹۲.
- \_\_\_\_\_، سند شماره ۲۹۰۰۰۳۵۶۸.
- \_\_\_\_\_، سند شماره ۲۹۰۰۰۶۸۲۹.
- \_\_\_\_\_، سند شماره ۲۹۰۰۰۶۹۹۵.

#### پ. روزنامه‌ها

روزنامه آسیای جوان (۹ مه ۱۹۵۱)، شماره ۳۸، ص ۲.

روزنامه ظفر (۹ آذر ۱۳۲۹)، شماره ۲۲، ص ۲.

\_\_\_\_\_ (۲۹ اردیبهشت ۱۳۲۹)، شماره ۵، ص ۱.

#### ج. منابع لاتین

ATABAKI, TOURAJ: "ABADAN IN FIRE AND BLOOD" THE ROLE OF THE CROWD IN THE HISTORY OF THE NATIONALIZATION OF THE IRANIAN OIL INDUSTRY. (UN PUBLISHED).

BP Archive, ARC 71148, 23 April 1951. ARC 211627, Relation with The Iran 1947-1952.

Elwell- Sutton, Laurence Paul. Persian Oil. 1955 ed. Published by Lawrence and Wishart, London. PP209-212

FO 248. 1524 (1951 KHUZESTAN R)

Keddie, Nikki. R. (2006), *Modern Iran- Roots and Results of Revolution Updated Edition*, New Haven and London: Yale University Press.

United States Government Publishing Office Washington 2017. *Editor James C. Van Hook*. P 66.

US Archive 1951-1954. Foreign Relations of the United States, IRAN 1952-1954.

پرتال جامع علوم انسانی

### List of sources with English handwriting

- (2016): Forming Labor Strike Processing in Khuzestan Oil Zones (From Oil Genesis Till Oil Industry Nationalized Movement)1908-1951 " Alzahra University Islamic and Iranian History Quarterly, 26th year, no. 32, 122.
- Abrahamian, Ervand (2008), Iran between two revolutions. 14th edition, Tehran: Ney Publishing. [Persian]
- Abrahamian, Ervand (2012), The coup : 1953, the CIA, and the roots of modern U.S.-Iranian relations, translated by Mohammad Ebrahim Fattahi, Tehran: Ney Publishing.[Persian]
- Afrasiabi, Bahram (1990), Memoirs and Struggle of Dr. Hossein Fatemi, Tehran: Soğan Publications.
- Anwarkhamei: Economy without oil, (1990). Publishing company.
- Azimi, Fakhreddin (1372/ 1993), "Crisis of Democracy in Iran 1320-1332", translated by Hoshang Mahdavi and Bijan Nowzari, Tehran: Alborz Publishing.
- Bashir Gonabadi, Timur(2003):"documents from the principle of four Trumans in Iran ".Presidential Documents Center, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.[Persian]
- Date 03/07/1330, the correspondence of Mir Saeed Naqavi, the head of the National Oil Company, with the National Assembly
- Detailed discussion of the parliament on Tuesday, (1951), the twenty-seventh of April 1330. Session 136.
- Fatih, Mustafa (1334/ 1955), "fifty years of oil", Tehran: Kavash Publications.
- Ivanov, MS (1978):" History of Modern Iran" , Translated by Hoshang Tizabi and Hassan Ghaem Tehran: Published by Panah. [Persian]
- Kambakhsh, Abdul Samad(n.d):" A poem about the history of the labor movement of Iran",Republishing of Chaushan Nozaei Kabir.
- Kashani, Sakineh and Alam, Mohammad Reza (Autumn and Winter 2016), " Causes of strike of oil workers in Khoozestan (1329-1330)". Research Journal of Local History of Iran, 6th year, number 1 (consecutive 11).
- Khodrizeh, Ali Akbar (2003): " strike and rebellion of oil company workers in Khuzestan". Published by Contemporary History of Iran. [Persian]
- Lajevardi, Habib (1980): "labor unions and autocracy in Iran."Translated by Zia Sedqi. Newpublication.
- laws and regulations dated 19/12/1337, (1958), approved by the National Assembly, Article 1, Volume 19.
- Maljo, Mohammad (1400), Migrant in search of work and bread (the passive activity of the poor in Azerbaijan from 1327 to 1329), Tehran: Akhtaran Publishing House.
- Victor, Mirza Moghadam.d ional and patriotic Assyrian inMemoirs of a nat ,(20th century Book Company :Tehran ,Iran
- Moradi Khalaj, Mohammad Mehdi (1396), Shiraz during the oil nationalization movement, Tehran, Kavir Publications.
- Motaghedi, Rababe etal (2012) "Oil industry and demographic and occupational transformation in southern oil-rich regions, social history research", Institute of Humanities and Cultural Studies, third year, number two, autumn and winter 2012.
- Motaghedi, Robabe (2022):"The historiography of Subaltern through the lens of the document archive with a look at the documents of women's activism in oil nationalization. Historiography and Historiography Quarterly, Al-Zahra University -. doi: 10.22051/hph.2022.34420.1485

Mowahed, Mohammad Ali (2015) ,”k̄āb-e Āšoft-e Naft “. Sixth edition. Tehran, Karnameh publication.

National Archives 290008455

National Archives 293-5875

National Archives: 290002069

National Archives: 290002908

National Archives: 290003568.

National Archives: 290006818.

National Archives: 290006829.

National Archives: 290006995.

National Archives: 290008315

National Archives: 2930005879.

National Archives: 293002026.

National Archives: 293002045.

National Archives: 298030872

National Archives: 99.293003292

National Archives: 998- 3936

Paydar, Nasser( 2015): ” History of Iran' labor movement“. vol.1, bija, bina.[Persian]

Rajabi Fard, Hassan, Soleimani, Karim (1401), The Precedence of Guild Action over Political Activity; Studying the Confrontation of the Industrial Working Class with the Labor

Unions in Isfahan (1941 – 1953), Published by Investigating of Social History . [Persian]

Sheikh Nouri, Mohammad Amir and Shida Saber(2012)”Assessment of the origin and role of multiple social classes in the oil nationalization movement“ ,Nashriyeh Sokhon Tarikh,. Number 6. s18, 2012 [Persian]

Statement of the Tudeh Party of Iran, Tashkilate- Fars(1998 ).[Persian]

Taher Ahmadi, Mahmoud ( 2000) Documents from labor unions 1321-1332. National Archive of Iran, 1379/ 1999. [Persian]



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC- ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## Breaking the voices of the oil industry orkers in the uproar of the National Oil Movment from 1329-1332 (History from below)<sup>1</sup>

Robabe Motaghed<sup>2</sup>

Received: 2022/07/01  
Accepted: 2022/12/26

### Abstract

In the historiography of oil nationalization, many works have been done to describe the behavior and analyze the thoughts of political elites and statesmen, and hundreds of books and articles have been written about it. The role of the Jebhey-e Meli (National Front) party, the influence of the disobedient clergy, the viewpoints and performance of the parties, especially the Tudeh Party, and the reaction of the court and political elites in favor of the Pahlavi government are all fascinating topics that have been widely studied, but less attention has been paid to the role and image of the oil industry workers throughout this great event. The aim of the author of this article is to shed light on the role of the workers in the implementation of the law on the nationalization of oil and to show how a trade union movement turned into a national and xenophobic movement. To what extent did the demands of oil industry workers coincide with the demands of the proponents of oil nationalization? How influential were oil industry workers in the oil nationalization movement? The author of this article examined the history of oil nationalization from the viewpoint of subordinate people and discussed the protests and demands of workers during the announcement of the oil nationalization law until the dissolution of the Anglo-Iranian Oil Company. The main research tools were searching archival records, newspapers and oral history interviews.

The main finding of this research is that the demands of the oil industry workers did not coincide with the demands of the proponents of oil nationalization at the beginning, but were only union demands and requests for the well-being of the workers and according to the regulations of the International Labor Organization. During the strikes, slogans and demands changed and oil industry workers were able to consistently influence the oil nationalization movement.

**Keywords:** Oil nationalization, History of labor, Workers' strikes, Social history, Khuzestan.

---

1. DOI: 10.22051/hii.2023.40726.2674

2. Assistant professor in The National Library and Archives of Iran, Tehran. Iran.

Robabe.motaghedi@gmail.com

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN: 2538-3493